

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۸۹،
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۵۸-۳۳

شیوه‌های تصویرسازی مفاهیم در نهج البلاغه*

دکتر ولی‌الله حسومی

دانشکده اصول دین قم

Email: hasoomi_valiullah@yahoo.com

دکتر حسین خاکپور

استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: dr.khkpour@theo.ac.ir

محمد علی مهدوی راد

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، پردیس قم



چکیده

تصویرسازی در حوزه سخن، هنر ترسیم مفاهیم با کمک الفاظ و عبارات و به شیوه‌های خاص است که به منظور افزایش شدت تأثیرگذاری بر مخاطب و انتقال بهتر و سریع‌تر مطالب، صورت می‌گیرد. این هنر در نهج‌البلاغه به زیبایی مورد استفاده قرار گرفته و با بهره‌گیری از طبیعت، انسان، جانداران و... در محور عمودی و افقی کلام انواع تصاویر زیبا و تأثیرگذار خلق کرده است. در محور افقی، یعنی تک تک جملات، تصاویر ساده مثل زیبایی، عظمت و بزرگی و... ترسیم شده است. انواع تابلوهای گرم و زنده و رنگ آمیزی آنها با انواع سجع، صور بلاغی، نماد، تلمیحات، رد تعبیرها، مبالغه و عناصر معنوی، در این محور وجود دارد. گاهی نیز بدون استفاده از قالب خاص، تصاویر بدیع خلق شده و یا عین تصاویر قرآنی به کار رفته است. در محور عمودی، یعنی ساختار کلی کلام که با آن بین اجزاء، ارتباط معقول و منطقی برقرار می‌شود نیز تصاویر بدیع و بی نظیری خلق شده است.

کلید واژه‌ها: نهج‌البلاغه، تصویرگری، تصویر، عناصر، صور بلاغی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۷/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.

مقدمه

نهج البلاغه مجموعه ای از خطبه و نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) است که از گذشته تا کنون مورد توجه ادبا و سخن‌شناسان و افراد دیگر بوده، و بر آن شروح و مطالب مختلف نوشته شده و گوشه‌هایی از زیبایی و عظمت این اثر نشان داده شده است. با این حال هنوز گنج‌های نهفته دیگری در آن وجود دارد که این مقال سعی دارد با رویکردی نو، به گوشه‌ای دیگر از زیبایی‌های این اثر بزرگ بپردازد.

فن بیان و ارتباط برقرار کردن با مخاطب و ارائه‌ی مطالب به گونه‌ای که تأثیرگذار و قابل لمس باشد، هنری است که ویژگی خاصی به کلام گوینده می‌دهد. حضرت علی (ع) با این هنر، شکل خاصی از حرکت و حیات آفرینی به کلام خود بخشیده است. در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به منظور ترسیم صفات جمال و جلال الهی و سایر مفاهیم دینی و نیز موضوعات مختلف دیگر، از شیوه‌هایی استفاده شده که هم کلام تأثیرگذار باشد و هم شنونده بتواند به راحتی این امور را درک کند. در مورد دلیل این تأثیرگذاری و جذابیت مطالب مختلفی مطرح شده است، اما تمام مطلب این نیست؛ وجوه دیگری در کلام حضرت وجود دارد که بررسی آنها بیشتر می‌تواند ما را از زیبایی‌های کلام حضرت آگاه کند. در حقیقت حضرت امیر (ع) با ذائقه و ذوق سلیم که در حد اعلا داشتند، مفاهیم مختلف را به گونه‌ای ارائه می‌کنند که این مفاهیم همچون تصویری، در ذهن شنونده حاضر شود. در ادامه به بررسی کیفیت این تصویرسازی در نهج البلاغه می‌پردازیم.

تصویرگری

تصویر، در لغت، به معنای صورت و شکل قرار دادن برای چیزی یا نقش و رسم نمودن چیزی است (دهخدا، لغت نامه، ۵۹۳۳/۴). تعاریف گوناگونی از گذشته تا کنون، برای مفهوم اصطلاحی «تصویر» و «تصویر گری» ارائه گردیده که در هرکدام از زاویه ای خاص به این موضوع جالب توجه نگریسته شده است. اسکلتن رایین می‌گوید: «تصویر بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافتهای حسی نویسنده زندگی می‌بخشد؛ به عبارت دیگر، سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید، یا می‌شنود.» (اسکلتن رایین، ۱۵۵). یعنی نویسنده دریافت خاصی دارد که سبب می‌شود به واسطه چنین دریافتی اشیایی را که همه روزه می‌بینیم به گونه‌ای دیگر القا کند، به گونه‌ای که

گویا این اشیا را به نوعی دیگر می‌بینیم. اندیشمند غربی، «ون» در تعریف تصویر می‌گوید: تصویر کلامی غنی است که بیشتر، از عناصری محسوس تشکیل شده و در بردارنده فکر یا احساسی است و بر چیزی بیش از معنای ظاهری کلام دلالت دارد (روز غریب، ۱۹۲)؛ و نیز گفته‌اند: تصویر (ادبی) هر نوع آرایه کلامی به شکل‌هایی از نوع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و مانند آنهاست که به منظور ایجاد صورت‌های ذهنی و انگیزش عاطفه به کار می‌رود. (انوری، ج ۳/ ۱۷۶۶). سارتر در تعریفی از تصویر می‌گوید: «تصویر عبارت از نحوه خاص ظهور يك شیء در شعور انسانی است و یا به طریق اولی، تصویر، طریقه خاصی است که شعور انسانی به وسیله آن، يك شیء را به خود ارائه می‌دهد» (براهنی، ۱۱۴).

برخی نیز «تصویر» را در مباحث ادبی به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق نموده‌اند که گوینده با کلمات تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد (داد، ۱۳۹). شاعر انگلیسی، «سی دی لوئیس» در ساده‌ترین توصیف «تصویر» را «تابلویی ساخته شده از جنس کلمات» می‌داند (به نقل از صباغ، ۴۸۹). او معتقد است که تشبیه یا استعاره می‌تواند یک «تصویر» بیافریند، اما در عین حال برخی تعابیر توصیفی را می‌توان سراغ گرفت که بدون چنین عناصری نیز قدرت خلق تصاویری با شکوه و خیره کننده را دارد (همان). یکی دیگر از محققان در تعریف «تصویر» می‌گوید: تصویر ادبی، به معنای به کارگرفتن سخن، به گونه‌ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم به روش جدید و ابتکاری تجسم می‌یابند و حتی به اشکالی قابل رؤیت جلوه گر می‌شوند و در حقیقت، در این گونه موارد، سخن از قالب تنگ خود خارج شده و به عالمی زنده و پرنشاط پا می‌گذارد (نقل از: یاسوف، ۹۰)؛ و به تعبیری ساده و کوتاه می‌توان گفت: «تصویر یعنی پرده برداری از معانی با تعبیری زنده و احساس برانگیز». از آنچه گفته شد، به خوبی روشن می‌شود که ابزار تصویرگری در حوزه ادبیات، همان الفاظ و عبارات هستند نه قلم و رنگ و عکس. حال به بررسی این مقوله در نهج البلاغه می‌پردازیم.

استخدام پدیده‌های مختلف و خلق تصاویر ساده

در نهج البلاغه با بهره‌گیری از امور و پدیده‌های مختلف مثل کوه، مشرق و مغرب، دریا، بیابان، و... به خلق تصاویر ساده مثل زیبایی، عظمت و بزرگی، ارزش و... پرداخته است. مثلاً حضرت علی (ع) در يك تعبیر زیبا برای نشان دادن اهمیت امانت الهی که بر گردن انسان

است سه عنصر آسمان، زمین و کوه را به ترتیب برای تصویر برافراشتگی، گستردگی و استقامت به کار برده است: «ثُمَّ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ فَفَقَدَ خَابَ مَنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ الْمُبِينَةِ وَالْأَرْضِينَ الْمَدْحُورَةَ وَالْجِبَالَ ذَاتِ الطُّوْلِ الْمَنْصُوبَةِ فَلَا أُطْوَلُ وَلَا أُعْرَضُ وَلَا أُعْلَى وَلَا أُعْظَمُ مِنْهَا» (خطبه ۱۹۹، فراز سوم). «یکی دیگر از وظائف الهی، ادای امانت است، آن کس که امانت‌ها را نپردازد زیانکار است. امانت الهی را بر آسمانهای برافراشته، و زمین‌های گسترده، و کوه‌های به پا داشته عرضه کردند که از آنها بلندتر، بزرگ‌تر، وسیع‌تر یافت نمی‌شد اما نپذیرفتند».

طبق بررسی‌های انجام گرفته، در نهج‌البلاغه از حدود ۴۷۱ پدیده برای تصویر سازی استفاده شده که می‌توان آنها را در هفت عنوان کلی و ۱۸ زیر مجموعه با رعایت ترتیب الفبا در تمام قسمت‌ها به صورت زیر دسته بندی کرد:

ابزار و لوازم: شامل سه بخش (ابزار و لوازم جنگی، ابزار و لوازم دولت و حکومت، ابزار و لوازم کار)؛ امور غیر مادی و مسائل مرتبط با آن؛ انسان و موضوعات مربوط به آن شامل سه بخش (اشخاص و اعلام، اعضاء و جوارح و امور مربوط به آنها، خانواده و امور به آن)؛ جانداران شامل چهار بخش (پرنده‌گان و امور مربوط به آنها، حشرات و امور مربوط به آنها، حیوانات درنده و چهار پا و امور مربوط به آنها، خزندگان و آبزیان و امور مربوط به آنها)؛ طبیعت و عناصر آن شامل سه بخش (آب و امور مربوط به آن، آسمان و امور مربوط به آن، زمین و امور مربوط به آن؛ منسوجات و رنگ‌ها شامل دو بخش (لباس‌ها و پارچه‌ها، رنگ‌ها)؛ نباتات و موضوعات مربوط به آنها شامل دو بخش (درختان و گیاهان، مواد خوراکی)؛ و به وسیله این امور، ۱۳۵ تصویر ساده خلق کرده است که نقش اساسی در انتقال مفاهیم نهج‌البلاغه ایفا می‌کنند. در ذیل به این تصاویر و عناصر سازنده آنها به ترتیب حروف الفبا اشاره می‌شود:

آسایش و رفاه: بالش (خطبه ۲۲۶، فراز دوم). قصر (خطبه ۲۲۶، فراز دوم). اجتماع و گرد هم آمدن: ابر پائیز (غرایب ۱). ارتباط و اتصال: پل (نامه ۶۱). درب (خطبه ۲۳۰، فراز اول). ارزش و اعتبار: بناء (خطبه ۱۰۶، فراز دوم). پدر (خطبه ۲۳۵). پرچم (خطبه ۸۷، فراز سوم). خطبه ۱۰۰، فراز دوم). چشم (حکمت ۱۶۹، حکمت ۲۱۱). درب (خطبه ۲۷، فراز اول). رسول (خطبه ۱۸۳، فراز سوم). زبان (خطبه ۱، فراز سوم). شاخه (خطبه ۹۴، فراز سوم). شمشیر (نامه ۳۸). عقل (حکمت ۱۱۳)؛ عمامه (خطبه ۱۲۷، فراز دوم). عید (حکمت ۴۲۸). فرشته (حکمت ۴۷۴، خطبه ۱۸۳، فراز سوم). نیزه (خطبه ۱۲۴، فراز دوم). مادر (خطبه ۲۳۵). ارزش و قیمتی

بودن: تجارت (خطبه ۲۲۲، فراز دوم) (سود آوری و غافل‌کنندگی). جامه (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). جامه ابریشمی (نامه ۴۵، فراز دوم). خوشهٔ مرجان (خطبه ۹۱، فراز اول). در مشور (خطبه ۹۱، فراز اول). شتر (خطبه ۱۹۵، فراز سوم). طلا (نامه ۴۵، فراز دوم، حکمت ۳۸۱، خطبه ۷۴). مال (حکمت ۴۷۵). گله شتر ده ماهه آبستن (خطبه ۱۹۵، فراز سوم). نقره (خطبه ۹۱، فراز اول). هفت اقلیم (خطبه ۲۲۴، فراز دوم). استحکام و مقاومت و پایداری: تپه (خطبه ۱۶۶، فراز دوم). دژ (خطبه ۱۹۲، فراز پانزدهم، خطبه ۱۹۰، فراز دوم) (استحکام و نفوذ ناپذیری). ریسمان (خطبه ۱۵۶، فراز سوم). ستون (خطبه ۱۹۸، فراز سوم). ستون فقرات (خطبه ۱۹۲، فراز سیزدهم). کوه (خطبه ۱۱، خطبه ۳۷، فراز اول، حکمت ۱۱۱). محور سنگ آسیا (خطبه ۱۱۹، فراز دوم). زره (نامه ۱۳، خطبه ۲۷، فراز اول). اسراف و پر خوری: شتر (خطبه ۳، فراز پنجم). اضطراب و لرزش: تیر در جعبه خالی (خطبه ۱۱۹، فراز دوم). درخت (خطبه ۹۷، فراز چهارم). ریسمان بسته به دلو در چاه (خطبه ۵، فراز دوم). کشتی (خطبه ۱۹۶). اضلال و گمراهی و بی‌خبری: بیابان (نامه ۲۸، فراز اول). تاریکی (نامه ۳۲ و خطبه ۱۸۳، فراز سوم، خطبه ۲۲۲، فراز اول). شیطان (خطبه ۲، فراز اول و فراز سوم، خطبه ۱۹۴، فراز دوم، نامه ۳، فراز سوم، نامه ۴۴). کوری (خطبه ۸۶، فراز دوم، خطبه ۱۸۱، خطبه ۲۱۶، فراز سوم، نامه ۳۱، فراز سیزدهم). افتادگی و کج‌شدگی و از دست رفتن: ظرف (خطبه ۱۰۳، فراز سوم). افضا و کام‌گیری: خروس (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). انتظار: خشکی زدگان (خطبه ۱۵۲، فراز دوم). قمار باز (خطبه ۲۳، فراز اول). انس و الفت: کودک (خطبه ۵، فراز دوم). ایشار و جان فشانی: ابن تیهان (خطبه ۱۸۲، فراز هفتم). ذو‌الشهادتین (خطبه ۱۸۲، فراز هفتم). عمار (خطبه ۱۸۲، فراز هفتم). همزه (نامه ۲۹، فراز دوم). ایجاد صدای بیهوده: سوسمار (خطبه ۱۲۳، فراز دوم). بازدارنده گی و حفاظت: پناهگاه (خطبه ۱۹۸، فراز دوم، خطبه ۲۳۹). سپر (خطبه ۴۱). ستون (خطبه ۲۳۹). خورجین (خطبه ۲، فراز چهارم). بالا رفتن و نفوذ کردن: زهر (خطبه ۱۹۲، فراز دهم). بدی و زشتی: بیماری (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم). خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). مال (حکمت ۳۱۶) (منشاء بدی و زشتی). برنده گی: شمشیر بران (حکمت ۴۲۴). بلند پروازی: عقاب (نامه ۶۵، فراز دوم). بلندی جایگاه: پیشانی (نامه ۱). کوهان (نامه ۱). ستاره (خطبه ۱۰۰، فراز سوم). بلندی و برافراشتگی: آسمان (خطبه ۱، فراز سوم، خطبه ۱۹۹، فراز سوم). پرچم (خطبه ۹۱، فراز ششم). تپه (خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). قله (خطبه ۴، خطبه ۱۱۰، فراز اول). کوه (حکمت ۴۴۳). سقف (خطبه ۱، فراز سوم). به هم مالیدن: پوست چرمی (خطبه ۱۰۸، فراز

هفتم). بی اثری: تیر بدون پیکان (خطبه ۶۹). بی ارزشی: آب بینی بز (خطبه ۳، فراز هفتم). استخوان خوک در دست جذامی (حکمت ۲۳۶). افسانه (نامه ۶۵، فراز دوم). برگ جویده شده در دهان ملخ (خطبه ۲۲۴، فراز آخر). برگ خشکیده قرظ (خطبه ۳۲، فراز چهارم). بند کفش (نامه ۷۱). پشه (خطبه ۱۸۶، فراز چهارم). پوست جو در دهان مورچه (خطبه ۲۲۴، فراز آخر). پوست دانه (خطبه ۱۲۹، فراز دوم). تفاله های قیچی شده دامداران (خطبه ۳۲، فراز چهارم). جامه پشمین (خطبه ۱۶۰، فراز پنجم، خطبه ۱۹۲، فراز هشتم). خاک (حکمت ۱۰۴). دانه تلخ درخت بلوط (نامه ۴۵، فراز دوم). درخت بی شاخ و برگ (خطبه ۱۳۵). شتر (نامه ۷۱). کاسه چوبی (خطبه ۲۵، فراز اول). کفش (آغاز خطبه ۳۳). کنیز (خطبه ۱۰۶، فراز سوم). لقمه جویده (حکمت ۴۵۶). مال (حکمت ۳۱۶). مردار (حکمت ۴۵۴). نطفه (حکمت ۴۵۴). بی ثباتی و ناپایداری: ابر (نامه ۶۲، فراز اول). روز (خطبه ۱۹۰، فراز دوم، نامه ۳۵). سایه (خطبه ۸۳، فراز سوم و خطبه ۸۹، فراز دوم). سراب (نامه ۶۱ و خطبه ۱۹۵، فراز سوم). کاروان (حکمت ۴۱۵، حکمت ۶۴). مسافر (خطبه ۱۷۶، فراز اول). میهمان (خطبه ۱۲۹، فراز اول). بی حرکتی و ناتوانی: بی هوش به خاک افتاده (خطبه ۲۲۱، فراز دوم). مرده (حکمت ۳۷۴). بی خردی و کم عقلی: چارپا (خطبه ۱۷۵، فراز اول). خطبه ۱۰۸، فراز سوم). دیوانگی (حکمت ۲۵۵). زن (خطبه ۱۳). عروس (خطبه ۲۷، فراز سوم). عمروعاص (خطبه ۱۸۰، فراز دوم). کودک (خطبه ۲۷، فراز سوم). کودک از شیر گرفته شده (نامه ۶۴، فراز دوم). معاویه (خطبه ۱۸۰، فراز دوم). بیرون آمدن و آشکار شدن: صمغ (خطبه ۱۰۸، فراز ششم). بیرون انداختن و دور کردن: خلط سینه (خطبه ۱۸۵، فراز دوم). شکمبه خاک آلوده (خطبه ۷۷). پاکی: چشمه آب گرم (خطبه ۱۹۹، فراز اول). پراکندگی و از هم پاشیدگی: ابر (نامه ۶۲، فراز اول). قوم سبا (خطبه ۹۷، فراز اول). سرمه باقی مانده در چشم (خطبه ۱۳۸، فراز اول). پستی و رذالت: سگ (نامه ۳۹). پناه بردن و رفتن به لانه: کفتار (خطبه ۶۹). پوشندگی: پرده (حکمت ۴۲۴). صندوق (حکمت ۶). عمامه (حکمت ۳۱۱). قبر (حکمت ۶). ترس و وحشت: تنهایی (حکمت ۱۱۳). چنگال (خطبه ۲۰۴). دندان (حکمت ۳۹۵، خطبه ۱۳۸، فراز اول). رعد و برق (خطبه ۱۵۱، فراز سوم). روزگار (نامه ۳۱، فراز دوم). زلزله (خطبه ۲۲۱، فراز دوم). سرخ (خطبه ۱۰۲، فراز دوم، خطبه ۷۳). شمشیر (خطبه ۱۹، خطبه ۵۸، خطبه ۹۳، فراز چهارم، خطبه ۸۴، حکمت ۳۴۹). شمشیر مشرفی (خطبه ۳۴، فراز دوم). طوفان سنگ ریزه (خطبه ۵۸). قبر (حکمت ۳۹۸). مرگ (خطبه ۳۹، فراز دوم، نامه ۳۱، فراز دوم). ترسویی و بزدلی: برده (حکمت ۲۳۷). سوسمار

(خطبه ۶۹). بز (خطبه ۳۱، فراز اول). کفتار (خطبه ۶۹). تعلق و عذر آوردن: بدهکار (خطبه ۲۹). تعمیم دهنده بلا: شتر ثمود (خطبه ۲۰۱). تفاوت و گوناگونی: بذر (خطبه ۲۱۴، فراز دوم). تکبر: باد (خطبه ۱۹۲، فراز پنجم). تاج (خطبه ۵، فراز اول). گردن (خطبه ۱۹۲، فراز سوم). تلخی: صبر (خطبه ۱۵۸، فراز دوم، خطبه ۱۱۱، فراز سوم). علقم (خطبه ۱۵۸، فراز دوم، خطبه ۲۱۷، فراز اول). تنبلی و کنندی: حیوان پشت زخم (خطبه ۳۹، فراز دوم). تواضع و فروتنی: بنده (نامه ۲۴، فراز اول، نامه ۳۸، نامه ۵۰، فراز اول، نامه ۵۱، نامه ۵۳). مرکب رام (خطبه ۱۶، فراز دوم) (آرام و مطیع بودن). تورم و برآمدگی (پینه زدگی): زانوی بز (خطبه ۹۷، فراز چهارم). ثروت و فراوانی: لباس فاخر (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). جدایی و دوری: سر بریده (خطبه ۳۴، فراز دوم). مشرق و مغرب (حکمت ۱۰۳). جوشش و غلیان: دیگ (نامه ۱۵). دیگ آهنگران (خطبه ۱۵۶، فراز اول). چرخش و حرکت دورانی: باد (خطبه ۹۳، فراز دوم). چیز طولانی و بی نهایت: زمان (خطبه ۱۸۲، فراز دوم). چیز محکم و مورد اعتماد: ریسمان (خطبه ۱۶۵، فراز سوم، خطبه ۱۷۶، فراز ششم). دستگیره (خطبه ۱۹۰، فراز دوم). حرکت و رفت و آمد: آسیاب (خطبه ۱۶۴، خطبه ۱۰۴). چشمه (خطبه ۱۶۶، فراز دوم). زبان (خطبه ۱، فراز سوم). شتر آبکش (خطبه ۲۴۰). حساسیت و شکنندگی: تخم مرغ (خطبه ۱۶۶، فراز اول) (خطر). حفاظت و بازدارندگی: رشته (خطبه ۱۴۶، فراز اول). زره (خطبه ۲۷، فراز اول، نامه ۱۳). زمام (خطبه ۱۹۵، فراز سوم). سپر (خطبه ۴۱). ظرف (حکمت ۱۴۷). لباس (خطبه ۲۷، فراز اول). حیات و شادابی: آب (خطبه ۴ و خطبه ۸۹، فراز اول و حکمت ۲۵۷). خزیدن و رفتن به سوراخ: سوسمار (خطبه ۶۹) (فرار از خطر احتمالی). خطر: آب دهان مار (خطبه ۲۲۴، فراز دوم) (بدی و پلیدی). آتش (خطبه ۱۲۵، فراز دوم، نامه ۳۸). بیماری (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم، خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). تیر (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم). حیوان درنده (حکمت ۶۰). زهر عقرب (خطبه ۱۳۷، فراز اول). زهر (خطبه ۱۹۲، فراز دهم). سپاه ابلیس (نامه ۶۹، فراز سوم). سگ (۳۱، فراز سیزدهم). شب (خطبه ۱۰۲، فراز دوم). شتر سرکش (خطبه ۹۳، فراز سوم، خطبه ۱۳۸، فراز دوم). شمشیر (خطبه ۱۹، خطبه ۵۸، خطبه ۹۳، فراز چهارم، خطبه ۸۴، حکمت ۳۴۹). شیر (حکمت ۲۶۳). شیطان (خطبه ۱۲۷، فراز دوم، خطبه ۱۹۲، فراز دهم، خطبه ۶۶، خطبه ۱۸۳، فراز چهارم). گیاه خشکیده و باخیز (حکمت ۳۶۷). مار (نامه ۶۸، حکمت ۱۱۹). موج (خطبه ۵، فراز اول و حکمت ۱۴۶). روزگار (نامه ۳۱، فراز دوم). خواب آلودگی و غفلت: کفتار (خطبه ۶). خواری و حقارت: کنیز (خطبه ۱۷۲، فراز

سوم). خیانت و نیرنگ: دست یهودی (خطبه، ۷۳). درازی و کشیدگی: ابریق (خطبه ۱۶۵، فراز چهارم). درد و رنج و سختی: آب جوشان (خطبه ۸۳، فراز دوازدهم). آتش شعله ور (خطبه ۸۳، فراز دوازدهم). اباوذحه (خطبه ۱۱۶، فراز چهارم). بیماری (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم، خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). تازیانه (خطبه ۱۷۶، فراز هفتم). جوش (خطبه ۹۱، فراز سیزدهم). جهاز نامناسب شتر (خطبه ۱۸۷، فراز اول). خار (خطبه ۳، فراز اول، خطبه ۲۱۷، خطبه ۱۸۳، فراز چهارم، خطبه ۲۲۱، فراز چهارم، خطبه ۲۲۴، فراز اول). دوزخ (خطبه ۸۳، فراز دوازدهم). رعد و برق (خطبه ۱۵۱، فراز سوم). زمین (حکمت ۱۰۴). زنجیر (خطبه ۱۰۹، فراز ششم). زهر (خطبه ۱۱۱، فراز سوم) (کشندگی و فنا). سنگ سخت (خطبه ۲۶، فراز اول، خطبه ۲۹). شمشیر (خطبه ۱۸۷، فراز اول). شمشیر مشرفی (خطبه ۳۴، فراز دوم). طوفان سنگ ریزه (خطبه ۷۱، خطبه ۵۸). قبر (حکمت ۳۹۸). قطران (خطبه ۱۰۹، فراز ششم). کارد (خطبه ۱۷۶، فراز هفتم) (جراحت همراه با درد و رنج). کوه صعب‌العبور (نامه ۹، فراز اول). گردنه (نامه ۳۱، فراز نهم). لقمه گلوگیر (خطبه ۵، فراز اول). مار (خطبه ۲۶، فراز اول). مرگ (حکمت ۱۶۳). درنده گی: حیوان درنده (حکمت ۶۰). سگ (۳۱ خطبه، فراز سیزدهم). دروغ و نیرنگ: افسانه (نامه ۶۵، فراز دوم). دست یهودی (خطبه ۷۳). سراب (حکمت ۳۸). کفتار (حکمت ۴۶۴). دوام و استمرار: باد شمال و جنوب (خطبه ۱۱۹، فراز دوم). چشمه (خطبه ۱۹۸، فراز سوم). دور دستی و دست نایافتنی: ستاره عیوق (نامه ۶۵، فراز دوم). ماهی (خطبه ۱۹۸، فراز اول). وحوش بیابانی (خطبه ۱۹۸، فراز اول). دوری از رحمت حق: فوم ثمود (خطبه ۱۸۱). ذلت و خواری: اسیر (خطبه ۲۲۲، فراز دوم). بنده (خطبه ۹۳، فراز سوم، حکمت ۳۳۳). پا (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم). کنیز (خطبه ۱۰۶، فراز سوم). قبر (حکمت ۳۸۹) (خواری و بی چیزی). روشنی: برق (خطبه ۱۹۱، فراز سوم). چراغ (خطبه ۱۹۸، فراز سوم، خطبه ۸۷، فراز اول، خطبه ۱۴۴، فراز چهارم، خطبه ۱۸۷، فراز دوم، خطبه ۲۳، خطبه ۱۴۹، فراز اول، خطبه ۹۴، فراز سوم، خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). روز (خطبه ۱۰۶، فراز دوم). ریزش و فرو آمدن: قطره (خطبه ۲۳، فراز اول). زردی: طلا (خطبه ۱۶۵، فراز چهارم). زشتی: ساق خروس خلاسیه (خطبه ۱۶۵، فراز سوم). سپر چکش خورده (خطبه ۱۲۸، فراز دوم). شیطان (خطبه ۱۹۲، فراز دهم). زهد: موسی (خطبه ۱۶۰، فراز چهارم). عیسی (خطبه ۱۶۰، فراز چهارم). داوود (خطبه ۱۶۰، فراز چهارم). محمد (ص) (خطبه ۱۶۰، فراز پنجم). مسیح (حکمت ۱۰۴). زیبایی: حریر (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). حله (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). زبرجد (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). زمرد (خطبه ۱۹۲، فراز نهم). سبز

(خطبه ۱۱۱، فراز اول، خطبه ۱۶۵، فراز چهارم). ستاره (خطبه ۹۱، فراز چهارم). شکوفه (خطبه ۱۶۵، فراز دوم و فراز چهارم، خطبه ۹۱، فراز ۱۱). لباس یمنی (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). ماه (خطبه ۱۸۵، فراز چهارم). نقره (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). نگین (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). نور (خطبه ۹۱، فراز دوم و خطبه ۱۹۰، فراز اول و خطبه ۱۵۶، فراز سوم، خطبه ۱۹۲، فراز دوم). وسمه یمانی (خطبه ۱۶۵، فراز چهارم). یاقوت (خطبه ۱۹۲، فراز نهم). سادگی و بی‌آلایشی: کف دست (خطبه ۴۶، فراز سوم). خاک (حکمت ۱۰۴). زمین (حکمت ۱۰۴). جامه پشمین (خطبه ۱۶۰، فراز پنجم، خطبه ۱۹۲، فراز هشتم). جامه فرسوده (نامه ۴۵؛ فراز دوم). سبزی: زبرجد (خطبه ۱۶۵، فراز چهارم). سخاوت: دست (خطبه ۱۰۰، فراز اول، خطبه ۱۴۲). سختی و محکمی: سنگ (حکمت ۳۳۳). کوه (خطبه ۱۱). ستون فقرات (خطبه ۱۹۲، فراز سیزدهم). شمشیر مشرفی (خطبه ۳۴، فراز دوم). سربرآوردگی: شاخ بز (خطبه ۱۸۴). سرزندگی و طراوت: آسیاب (خطبه ۱۰۴). بهار (خطبه ۱۱۰، فراز دوم). جوانی (خطبه ۱۵۱، فراز دوم). دارو (خطبه ۱۹۴، فراز دوم، خطبه ۱۹۸، فراز پنجم، حکمت ۷) (شفابخشی). سرعت و حرکت: ابر (خطبه ۲۵، فراز دوم و حکمت ۲۱). شکار رمنده (حکمت ۲۶۶). گرد و غبار (خطبه ۱۰۲، فراز دوم). ابر تابستان (خطبه ۲۵). سرگردانی: بنی اسرائیل (خطبه ۱۶۶، فراز سوم). پشه (حکمت ۱۴۷). سستی و ضعف: پشه (حکمت ۴۱۹). پیری (حکمت ۱۴۳). تار عنکبوت (خطبه ۱۷، فراز دوم). جامه فرسوده (خطبه ۶۹). ریحانه (نامه ۳۱، فراز هفدهم). زرد (خطبه ۱۲۱، فراز دوم). زن حامله (خطبه ۷۱). سوسمار (خطبه ۱۲۳، فراز دوم). شتر جوان که کوهانش از درون ریش است و به ظاهر سالم (خطبه ۶۹). کره اسب (حکمت ۴۶۵). گفتار (خطبه ۶) (غفلت و خواب آلودگی). کنیز (خطبه ۱۷۳، فراز سوم، خطبه ۱۷۲، فراز سوم). مرده (حکمت ۳۷۴). سفیدی: نقره (۱۶۵، فراز دوم). گل بابونه (خطبه ۱۶۵، فراز چهارم). سود و بهره‌وری: تاجر (خطبه ۱۰۸، فراز چهارم). سوزندگی و شدت: آتش (نامه ۳۸). قطران (خطبه ۱۰۹، فراز ششم). سیاهی و تیرگی: شب (خطبه ۱۰۲، فراز دوم). نیل (خطبه ۲۲۴، فراز دوم). شجاعت: شیر (خطبه ۱۳۱، فراز اول، حکمت ۲۸۹). موسی (خطبه ۴). شر و بدی: شیطان (خطبه ۶۶، خطبه ۱۰۶، فراز دوم، خطبه ۱۵۱، فراز اول، خطبه ۱۸۳، فراز چهارم، نامه ۱۸). شفابخشی: دارو (خطبه ۱۹۴، فراز دوم، خطبه ۱۹۸، فراز پنجم، حکمت ۷). شفافیت و صافی: آئینه (حکمت ۵، حکمت ۳۶۵). شکافتن و باز شدن: مهره (خطبه ۱۰۸، فراز ششم). شور و نشاط: کبوتر (خطبه ۱، فراز هشتم). صیقل و جلا: شمشیر (خطبه ۱۵۰، فراز دوم). طغیان و

سرکشی: آب (خطبه ۹۱، فراز ۱۱). اسب چموش (خطبه ۱۶، فراز دوم). اصحاب رسّ (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). شتر (خطبه ۹۳، فراز سوم، خطبه ۱۳۸، فراز دوم، حکمت ۲۰۹). فرعون (خطبه ۱۹۲، فراز سیزدهم، خطبه ۱۵۰، فراز سوم). شتر سرکش (خطبه ۹۳، فراز سوم، خطبه ۱۳۸، فراز دوم). ظلم و ستم: اصحاب رسّ (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). تبع (نامه ۳، فراز دوم). حمیر (نامه ۳، فراز دوم). شیطان ردهه (خطبه ۱۹۲، فراز شانزدهم). فرعون (خطبه ۱۹۲، فراز سیزدهم). قیصر (نامه ۳، فراز دوم). کسری (نامه ۳، فراز دوم). عزت و سرفرازی: پهلو (نامه ۱۶). پیشانی (خطبه ۱۶۳، فراز اول). چهره (خطبه ۱۸۵، فراز پنجم، خطبه ۱۹۲، فراز هفتم، خطبه ۱۷۹). سلطان (خطبه ۱۶۹، فراز اول). عزیز و محبوب: برادر (خطبه ۱۸۲، فراز هفتم). پدر (خطبه ۲۳۵، نامه ۵۳، فراز هشتم). رفیق (خطبه ۲۲۳، فراز سوم). فرزند (حکمت ۳۰۳). عظمت و بزرگی: آبخور (خطبه ۱۹۸، فراز سوم). آسمان (نامه ۴۵، فراز هفتم و خطبه ۷۲، فراز اول و خطبه ۱۸۲، فراز دوم). جبرائیل (خطبه ۱۸۲، فراز سوم). درخت (خطبه ۱۳۳، فراز اول، خطبه ۱۰۸، فراز دوم، خطبه ۱۰۹، فراز هشتم). درخت نخل (خطبه ۱۸۵، فراز سوم). دره (خطبه ۱۸۶، فراز سوم). زبان (خطبه ۱۷۸، فراز اول). زمین (خطبه ۱۸۶، فراز سوم). ستاره (خطبه ۹۱، فراز چهارم) هدایت و روشنی (خطبه ۹۴، فراز سوم). سد (خطبه ۱۸۶، فراز سوم). عقل (خطبه ۱۵۵، فراز اول، خطبه ۲۲۱، فراز پنجم، خطبه ۴۹). فیل (خطبه ۱۶۵، فراز ششم). قلب (خطبه ۸۵، فراز اول). کوه (خطبه ۱۰۹، فراز ششم). میکائیل (خطبه ۱۸۲، فراز سوم). وهم (خطبه ۸۵، فراز اول). علامت و نشانه: پرچم (خطبه ۱۷۶، فراز سوم). غفلت و بی توجهی: چارپا (خطبه ۱۰۸، فراز سوم، خطبه ۱۷۵، فراز اول، نامه ۴۵، فراز سوم، حکمت ۴۱۴). حیوان (نامه ۴۵، فراز دوم). خواب (خطبه ۱، فراز سوم، خطبه ۲۸، خطبه ۳۴، فراز دوم، خطبه ۸۹، فراز اول، خطبه ۱۵۸، فراز اول، نامه ۶۲، فراز دوم، حکمت ۶۴). فرعون (خطبه ۱۵۰، فراز سوم). کفتار (خطبه ۶). گوسفند (نامه ۴۵، فراز سوم). فرورفتن و پایین آمدن: سینه کشتی (خطبه ۱۳). شتر مرغ بر سینه نشسته (خطبه ۱۳). قطرات باران (خطبه ۲۳، فراز اول). فرورفتن در زمین با صدای بلند: آهن داغ در زمین نرم (خطبه ۲۰۱). فقر و بی چیزی: شتر لاغر که گوشتش آب شده (خطبه ۱۱۵). خاك (حکمت ۱۰۴). جامه پشمین (خطبه ۱۶۰، فراز پنجم، خطبه ۱۹۲، فراز هشتم). قرص نان (نامه ۴۵، فراز دوم و سوم). چوب دستی (خطبه ۱۹۲، فراز هشتم). قدرت: باد (خطبه ۱، فراز اول). پرچم (خطبه ۱۰۲، فراز دوم). پرنده (خطبه ۱۸۵، فراز پنجم). جبرئیل (خطبه ۱۹۲، فراز پانزدهم). جوانی (خطبه ۱۵۱، فراز دوم). چشم (خطبه ۸۳،

فراز چهارم، خطبه ۹۳، فراز اول). حاکم (خطبه ۱۰۵، فراز دوم). دره (خطبه ۱۸۶، فراز سوم). دست (خطبه ۹۷، فراز اول، خطبه ۱۰۹، فراز اول، خطبه ۱۲۳، فراز اول، خطبه ۱۲۷، فراز دوم). ربیعه (خطبه ۱۹۲، فراز هفدهم). زبان (خطبه ۱۷۸، فراز اول). زمان (خطبه ۱۸۲، فراز دوم، خطبه ۱۷۸، فراز اول). زمین (خطبه ۲۱۱). سد (خطبه ۱۸۶، فراز سوم). سلطان (خطبه ۱۶۹، فراز اول، خطبه ۱۸۵، فراز اول، خطبه ۱۸۶، فراز سوم). سلیمان (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). سیل (خطبه ۱۶۶، فراز دوم). سیل دو باغ مردم سبا (خطبه ۱۶۶، فراز دوم). شمشیر بران (حکمت ۴۲۴). شمشیر مشرفی (خطبه ۳۴، فراز دوم). شیر (خطبه ۱۳۱، فراز اول، حکمت ۲۸۹). عمالقه (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). فرعون (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم). قلب (خطبه ۷۲، فراز اول). مار (حکمت ۲۸۹). مضر (خطبه ۱۹۲، فراز هفدهم). میکائیل (خطبه ۱۹۲، فراز پانزدهم). نیزه (نامه ۴۳). کثرت و فراوانی: آبشخور (خطبه ۱۹۸، فراز سوم). باران (خطبه ۱۹۸، فراز دوم). باغ (خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). چشمه (خطبه ۱۰۹، فراز هشتم، خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). حوض (خطبه ۱۰). خون (خطبه ۵۲، فراز دوم). دریا (خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). سدر (خطبه ۱۰۵، فراز دوم). سیل (خطبه ۳، فراز اول و خطبه ۱۱۱، فراز دوم). معدن (خطبه ۱۰۹، فراز هشتم، خطبه ۹۶، فراز دوم). یال کفتار (خطبه ۳، فراز ششم). کجی: کمان (خطبه ۹۶، فراز اول). کشنده‌گی و فنا: سم (خطبه ۱۱۱، فراز سوم). کمک و یاور: قبیله (حکمت ۴۱۸). کشتی (خطبه ۵، فراز اول). دستگیره (خطبه ۱۹۰، فراز دوم). بال (نامه ۳۱، فراز هفدهم، حکمت ۶۳). کمی و ناچیزی: باقی مانده آب در ظرف ریخته شده (خطبه ۴۲). ته مانده آب در ظرف کوچک (خطبه ۵۲). سرمه باقی مانده در چشم (خطبه ۱۸۳، فراز اول). قرص نان (نامه ۴۵، فراز دوم و سوم). کوتاهی و اندکی: روز (خطبه ۱۹۰، فراز دوم و نامه ۳۵). سایه (خطبه ۸۳، فراز سوم و خطبه ۸۹، فراز دوم). کوتاهی و پهنی: پای شتر مرغ (خطبه ۱۲۸، فراز اول). کوچکی: آب دهان [دمیدن] (حکمت ۳۷۴). پشه (خطبه ۱۸۶، فراز چهارم). قطره (خطبه ۱۸۲، فراز دوم). مورچه (خطبه ۱۷۸، فراز اول، خطبه ۱۸۵، فراز سوم). گاز گرفتن: خر وحشی (خطبه ۱۵۱، فراز سوم). گستردگی و کشیدگی: بال کرکس (خطبه ۱۲۸، فراز اول). چرم عکاظی (خطبه ۴۷). زمین (خطبه ۱۹۹، فراز سوم). گریه و زاری و نوحه سرایی: شتر بیمار (خطبه ۳۹، فراز دوم). کبوتر (خطبه ۵۲). کنیز (خطبه ۱۷۳، فراز سوم). گناه و نافرمانی: بیماری (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم). لاغری: تیر (خطبه ۱۹۳، فراز سوم، خطبه ۲۹). لذت: پستان (خطبه ۵، فراز دوم، خطبه ۱۰۵، فراز دوم). سفره (خطبه ۲۰۱). غسل (نامه ۴۵، فراز دوم، خطبه ۱۶۵، فراز هفتم). مغز گندم

(نامه ۴۵، فراز دوم). مبارزه و جهاد: (نیزه نامه ۴۳؛ خطبه ۱۲۴ فراز دوم). مرکزیت و محوریت: محور سنگ آسیا (خطبه ۱۶۴). مفت خواری و ضعف: سگ (نامه ۳۹). ملازمت و همراهی: آرنج (نامه ۴۵، فراز دوم). بال (نامه ۳۱، فراز هفدهم، حکمت ۶۳). برادر (نامه ۳۱، فراز پانزدهم نامه ۶۲، فراز دوم). پرستار (خطبه ۲۲۱، فراز چهارم). سایه (نامه ۲۷، فراز سوم). فرزند (خطبه ۱۹۲، فراز چهارم، خطبه ۴۲). قبیلہ (حکمت ۴۱۸). همسایه (خطبه ۲۲۶، فراز دوم). لباس (خطبه ۲۷، فراز اول). لباس زیرین (خطبه ۲۶، فراز سوم، خطبه ۶۶). منبع امور محبوب: (پستان: خطبه ۱۰۵، فراز دوم). مهربانی و محبت: پدر (نامه ۵۳، فراز هشتم). نامطبوعی و ناخوشایندی: آب متعفن (خطبه ۵، فراز اول). مردار (خطبه ۸۹، فراز اول). درمنه (خطبه ۱۹۲، فراز سوم). نتیجه و بهره: میوه (خطبه ۸۹، فراز اول). نرمی و بی مویی: لاله گوش (خطبه ۱۵۵، فراز دوم).

نزدیکی و تقرب و مودت: پیراهن (خطبه ۱۵۴، فراز اول). نعمت و رحمت: باران (۱۱۵ و ۱۴۳، فراز سوم). وابستگی و تعلق: اسیر (حکمت ۳۵۹). بنده (خطبه ۱۰۹، فراز چهارم). گروگان (خطبه ۲۲۲، فراز دوم). (پستان: خطبه ۵، فراز دوم). وسعت: دریا (حکمت ۲۸۷). دشت (خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). زمین (خطبه ۱۳۸، فراز دوم، نامه ۶۲، فراز سوم). آسمان (نامه ۴۵، فراز دوم). باغ (خطبه ۱۹۸، فراز پنجم). وسیله رسیدن به چیزی: درب (خطبه ۲۷، فراز اول). هجوم و حمله: سگ (نامه ۳۱، فراز سیزدهم). شتر (خطبه ۵۴). گاو (خطبه ۳۱). گرگ (نامه ۴۱، فراز اول) (درندگی). هدایت و راه یابی: آب (خطبه ۲۰۱). منار (خطبه ۱۹۸، فراز سوم).

تابلوهای گرم و زنده

تابلو تصویر ساده نیست صحنه ای است که از ترکیب تصاویر پدید می آید. در نهج البلاغه بیش از صدها تابلوی نفیس و بدیع وجود دارد. گستره خیال، انواع تشبیهات، استعاره‌ها، سجع، کنایه، نماد، تلمیحات و رد تعبیرها، مبالغه و توصیفات، نقش بسزایی در خلق این تابلوها دارند که با تنوع و تازگی و زیبایی خود سخت مؤثر و زنده هستند. حضرت امیر (ع) در کلام شیوا و بلیغ خود گاهی بدون استفاده از قالب خاص تصاویر خارق العاده و در خور توجه خلق کرده است. در ادامه این تابلوهای گرم و زنده را بررسی می‌کنیم.

تأثیر سجع در خلق تابلو و تصویر سازی

سجع مثل ردیف در شعر، به خصوص آنجا که فعل یا شبه فعل باشد، انگیزه ای برای خلق خیال‌های بدیع و تصویرهای تازه است. فعل در ردیف و سجع، خود به خود یک رشته استعاره‌ها و کنایه‌های خاص در زبان پدید می‌آورد که تصاویر بدیع را خوشه خوشه و پی در پی به ذهن در می‌آورد (شفیعی کدکنی، ۲۶). حضرت امیر (ع) با به کار گیری انواع سجع، مخاطب را در زنجیره ای از تصاویر قرار می‌دهد، تا با بهره گیری از حوزه موسیقایی کلام، امور را پر رنگ و برجسته سازد.

ایشان در مقام توصیف روزگار و اهلش در ضمن خطبه ۳۲ فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عَنُودٍ، وَ زَمَنٍ كَنُودٍ، يَعِدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مَسِينًا، وَ يَزِدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عَتُودًا. لَا نَنْتَفِعُ بِمَا عَلَّمْنَا، وَ لَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا، وَ لَا نَتَخَوَّفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحْلُبَنَا». حضرت بدین ترتیب روزگار را به گونه ای تصویر کرده که باعث تحریک احساسات و عواطف شنونده می‌شود.

در مقام نکوهش بصره و مردم آن می‌فرماید: «أَرْضُكُمْ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمَاءِ، بَعِيدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ، خَفَّتْ عَقُولُكُمْ، وَ سَفِهَتْ حُلُومُكُمْ. فَأَنْتُمْ غَرَضٌ لِنَابِلٍ، وَ أَكَلَةٌ لِأَكْلِ، وَ قَرِيسَةٌ لِصَائِلٍ» (کلام ۱۴). در کلام ۵۶ در پاسخ به خوارج معترض به حکمیت در میدان جنگ صفین، با بهره گیری از سجع متوازی در واژه «اللقم» و «اللم»، و سجع مطرف میان واژه‌های «جرانه» و «اوطانه» و میان «عمود» و «عود» و میان «دما» و «ندما»، تابلویی زیبا در جلو چشم خوارج و یاران خود ترسیم کرده است که قدرت تأثیر گذاری بسیاری دارد.^۱

استخدام انواع صور بلاغی در خلق تابلوها

در تصویرگری‌های حضرت علی (ع) و خلق تابلوها از اقسام تشبیه معقول به معقول، محسوس به محسوس، و معقول به محسوس و حتی معقول به معقول استفاده کرده و ارتباط‌های بسیار دقیق بین طرفین تشبیه برقرار کرده و بدین ترتیب تصاویر مورد نظر خود را خلق کرده است و می‌توان گفت که تشبیه یکی از قالب‌های عمده تصویرگری در نهج البلاغه است. مشبه به در تشبیهات حضرت از امور مختلف است؛ از عناصر کوچک مثل پشه و مورچه و... گرفته تا عناصر بزرگ مثل کوه، دریا و... مثلاً حضرت علی (ع) در کلام شیوای خود برای اینکه به حیرانی و سرگردانی دسته ای از انسانها اشاره کند آنان را به پشه‌هایی تشبیه

۱. جهت مشاهده موارد سجع در کلام حضرت رک: زمانی جعفری، درآمدی بر صنایع ادبی در کلام امام علی (ع).

می‌کند که دستخوش طوفانند و همیشه سرگردان که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند. (حکمت، ۱۴۷) و نیز در مقام توصیف آل محمد (ص)، آنها را به ستارگان آسمان تشبیه می‌کند: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ» (خطبه ۱۰۰، فراز سوم). ستاره با نور افشانی و بلند بالا نشینی خود همواره جولانگاه تاخت و تاز سمند خیال آدمی بوده تا آنجا که عده ای آن را پرستیده‌اند؛ آنچه در وجود این عنصر زیبا جلوه گری می‌کند، درخشش و جایگاه بلند آن در آسمان است؛ همین ویژگی آن در کلام حضرت مورد توجه قرار گرفته است.

از پرندگان و حیوانات و امور مربوط به آنها گرفته تا آبزیان؛ مثلاً حضرت در کلام خود در توصیف بصره بالکن خانه های آن را به بال عقاب تشبیه می‌کند (خطبه ۱۲۸، فراز اول). تشبیه پای سپاهیان صاحب زنج^۱ به پای شتر مرغ (همان)؛ تشبیه ساق پای طاووس به ساق خروس خلاسیه (خطبه ۱۶۵، فراز سوم)؛ تشبیه حرکت و اشتیاق و پناه بردن مردم به سوی کعبه را به حرکت کبوتران^۲ و به ترتیب تصویر پهنی، کوتاهی و پهنی، زشتی، شور و شعف را ارائه کرده است؛ و....

از انسان و امور مربوط به آن گرفته تا امور غیر مادی و نامحسوس؛ مثل تشبیه مردم حیران به قوم بنی اسرائیل (خطبه ۱۶۶، فراز سوم)؛ تشبیه تارک امر به معروف و نهی از منکر زبانی به مرده زندگان (حکمت ۳۴۷)، اضطراب و ترس لشکریان هنگام صدور فرمان برای حرکت به دشمن، آنان را تشبیه می‌کند به اینکه گویا به طرف مرگ رانده می‌شوند (خطبه ۳۹، فراز دوم) و... حضرت با بهره گیری از امور مختلف که البته به دلیل تطور زبانی برخی از عناصر و وجه شبه خیلی برای ما واضح و صریح نیست، تابلوهایی زنده و تأثیر گذار خلق کرده است. از نمونه های تشبیه معقول به معقول تشبیه خشم به سپاه ابلیس است: «وَاحْذَرِ الْعُغْصَبَ فَإِنَّهُ جُنْدٌ عَظِيمٌ مِنْ جُنُودِ إِبْلِيسَ» (نامه ۶۹، فراز سوم).

۱. سید رضی پس ذکر فرازی از خطبه ۱۲۸ که در ادامه خواهد آمد، می‌گوید: «این سخن امام (ع) به صاحب زنج اشاره دارد». صاحب زنج خود را علی بن محمد و از نوادگان امیر المؤمنین معرفی کرد که تاریخ نویسان در صحت این انتساب خدشه کرده اند. در سال ۲۵۵ هجری در زمان خلافت مهتدی عباسی قیام کرد. عقیده خوارج را داشت و مانند آنان عمل می‌کرد. در سال ۲۵۷ بصره را فتح کرده و در سال ۲۷۰ کشته شد. اما اینکه سخن امام ناظر به او باشد از سوی محققان محل تردید است. (شیروانی، ۲۱۹). جهت اطلاع از عقاید صاحب زنج رک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۲۶.

۲. کبوتر، هر نوع مرغ طوق‌دار مثل فاخته، قمری، مرغ سنگخوار و مرغ ساق‌جر را گویند (سیری در فرهنگ لغات نهج البلاغه، ۵۸۱) و رک: ابن منظور، ۱۵۸/۱۲.

گاه برای تصویر سازی از یک مشبه به مرکب استفاده می‌کند [تمثیل]: ایشان در بیان اینکه دنیا در دیده آن حضرت بسیار بی ارزش است، آن را پست‌تر از استخوان خوک در دست جدامی توصیف می‌کند: «وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ» (حکمت ۲۳۶). گاه برای تصویر سازی مؤثرتر و توصیف دقیق‌تر مشبه، از چند مشبه به استفاده می‌کنند. از این نمونه است: «نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ وَيَنَابِيعُ الْحُكْمِ» (خطبه ۱۰۹، فراز هشتم).

بعد از تشبیه، استفاده از استعاره به منظور خلق تصاویر و برانگیختن احساسات و عواطف با وجه شبه‌هایی که گاه نیاز به دقت و تأمل در فهم آنهاست - که البته چنانکه گفته شد دلیل آن تطور زبانی است نه اینکه این استعاره‌ها دور از ذهن و دست و پا گیر باشند، و برای مخاطبان اولیه حضرت کاملاً شناخته شده بودند و در زبان دیگر معاصران حضرت امیر (ع) به کار رفته‌اند، کما اینکه پس از گذشت قرن‌ها باز دقت در آنها تابلوی مورد نظر را جلو چشم ما ترسیم می‌کند - یکی دیگر از قالب‌های عمده تصویرگری‌های حضرت امیر است، که از طریق آنها مقوله مورد نظر خود را به زیبایی ترسیم کرده است. از جمله آنهاست: استعاره «عبیه» برای نفوس شریف امامان، با وجه شبه «حفظ و نگه داری» (خطبه ۲)؛ استعاره لفظ «زرع» برای افشاندن بذر فجور در زمین دلها و همچنین استعاره لفظ «سقی» برای ادامه فریب (همان)؛ استعاره واژه «اشراک» برای پیروان شیطان (خطبه ۷) و...^۱

اما تصویرگری و خلق تابلو در قالب کنایه یکی دیگر از مشخصه‌های هنر تصویرگری در نهج البلاغه است، که نمونه‌های آن در تحقیقات نویسندگان بررسی شده است. آنچه در اینجا منظور ماست هنر تصویر آفرینی در این قالب است؛ حضرت با بهره‌گیری از کنایه تابلوهایی در مورد شایسته نبودن فرد در کاری که پذیرفته (خطبه ۳)، بیان ویژگی‌های خود مثل: کثرت علم (همان) و صبر و استقامت (همان) و...، ترسیم گرفتاری‌ها و سختی‌ها (خطبه ۵)، ترسیم دنیا و آخرت (کلام ۴۲)، اشاره به لغزش گاه‌ها (خطبه ۸۳)، ترسیم کارهای نیک و ترغیب به همت و تلاش (کلام ۲۴۱) و ...

استخدام نماد در تصویرگری

نماد یکی از ابزارهای تصویر آفرین است که حاصل ارتباط دو طرف (مشبه و مشبه به)

۱. جهت مشاهده انواع استعاره در کلام حضرت ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن میثم.

است. این ابزار خیالی در بلاغت قدیم مطمح نظر نبوده است و غالباً آن را از دیدگاه استعاره می‌نگریستند؛ و بحثی با عنوان نماد یا همان سمبل در کتبی که در زمینه بلاغت کلام نوشته شده است، وجود ندارد و به تبع آن به نمادهای به کار رفته در آثار ادبی به جا مانده از گذشتگان خصوصاً نهج البلاغه توجهی نشده است.

نماد که در زبان فارسی رمز و مظهر نیز گفته می‌شود و نام کلاسیک آن سمبل است (شمیسا، ص ۲۱۰) و در زبان عربی رمز نامیده می‌شود (پور نامداریان، ۱)، از نظر لغوی در معانی مختلفی به کار رفته است: نمود، نشان، سمبل (پادشاه، ۷/ ۴۳۹۴؛ دهخدا، لغت نامه، ۷۷۱، ذیل حرف نون؛ انصار پور، ۵۲۲)، مظهر، نشانه، علامت، شیء، صدا یا عمل دارای اهمیت فرهنگی و توانایی بر انگیزتن پاسخ یا موجدیت بخشیدن به آن (بهابادی، ۱۰۲۰)، پند، مثل، گفته اخلاقی، کنایه، نمایش به وسیله علائم رمزی، به وسیله علامت یا نشانه نشان دادن (آریان پور کاشانی، ۲/ ۲۲۵۳) نماینده، نمونه، رمز، شبه، صورت، (در الهیات) مجموعه اصول عمده مذهب، علامت و اشاره ای که در روی سکه های قدیم نشان و محل ضرب آن است (نفیسی، ۲/ ۲۱۰۳). شیء یا موجودی که معرف موجودی مجرد و اسم معنی است، هر نشانه قرار دادی (معین، ۵/ ۷۹۹ و ۸۰۰).

تقی پور نامداریان در کتاب رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی می‌گوید: «رمز چیزی است از جهان شناخته شده و قابل دریافت و تجزیه از طریق حواس که به چیزی از جهان ناشناخته و غیر محسوس یا به مفهومی جز مفهوم مستقیم و متعارف خود اشاره کند به شرط آنکه این اشاره مبتنی بر قرار داد نباشد و آن مفهوم نیز یگانه مفهوم قطعی و مسلم آن تلقی نگردد» (۱۴). آیت و نشانه‌ای از شیء یا امری است که شیء یا امر دیگر را القاء می‌کند مثلاً ترازو سمبولی از عدالت، تاج نشانه سلطنت، و کبوتر نماد صلح، شیر مظهر شجاعت، گل سرخ نماد زیبایی و ایثار و لاله نماد پاکی و جوانی و غیره (ناظر زاده، ۳۴/۱).

ژرف ساخت سمبل تشبیه است، مشبه حذف می‌شود و مشبه به می‌ماند. مثلاً نخست عدالت از نظر استقرار برابری و راستی به ترازو تشبه می‌شود و سپس اضافه ترازوی عدالت به وجود می‌آید و آن‌گاه ترازو (مضاف) به کل معنای مضاف و مضاف‌الیه دلالت می‌کند. نمادهای به کار رفته در آثار ادبی قدیم و جدید اغلب به دلیل نزدیکی و شباهت زیاد نماد به استعاره کمتر بدان توجه شده است و اکثراً یا به آن توجهی نداشته‌اند و یا آن را بر اساس فرمول استعاره تحلیل کرده‌اند.

تفاوت نماد با استعاره: هرچند نماد مانند استعاره ذکر مشبه به و اراده مشبه است، اما چند فرق اساسی با آن دارد: اولاً مشبه به در نماد صریحاً به یک مشبه خاص و مشخص دلالت ندارد بلکه دلالت به چند مشبه نزدیک به هم و به اصطلاح هاله ای از معانی و مفاهیم مربوط و نزدیک به هم است (بیان، ۱۸۹). به عبارت دیگر کلمه ای که به عنوان نماد استفاده شده است علاوه بر حفظ معنای حقیقی خود یک یا چند معنای غیر حقیقی را نیز در بردارد در نتیجه نسبت به استعاره دایره معنایی گسترده تری دارد. برای نمونه در بیت

گر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم الحکم لله

واژه «ماه» در نقش استعاره به کار رفته و صرفاً معنای مجازی آن یعنی یک انسان (در اینجا محبوب) مورد نظر شاعر است و به هیچ وجه نمی‌توان معنای حقیقی واژه (یعنی قمر) را لحاظ کرد و ضمناً آن معنای مجازی نیز یکی بیش نیست. حال اگر واژه ماه به گونه ای به کار رود که علاوه بر معنای حقیقی (قمر) یک یا چند معنای مجازی را هم برساند در این صورت استعاره به نماد تبدیل شده است مثلاً:

ماه بی گفتن چو باشد رهنما چو بگوید شد ضیا اندر ضیا

ماه در مثال بالا معنای حقیقی و اولیه خود را دارد و در معنای ثانویه مراد از آن علی (ع) است (همان).

ثانیاً در استعاره ناچاریم که مشبه به را به سبب وجود قرینه صارفه حتماً در معنای ثانوی در یابیم اما نماد در معنای خود نیز فهمیده می‌شود فی الواقع قرینه صریحی ندارد و قرینه معنوی و مبهم است و درک آن مستلزم آشنایی با زمینه های فرهنگی بحث است (همان، ۱۹۵). جز این دو فرق سمبل، عین استعاره است.

نماد یا همان سمبل بر دو نوع است: ۱- سمبل‌های قرار دادی یا عمومی: که سمبل‌های مبتذل هستند و به سبب تکرار، دلالت آنها بر یکی دو مشبه صریح و روشن است و غالباً مانند استعاره فقط بر یک مشبه دلالت دارند. سمبل‌های قرار دادی گاهی در حکم همان استعاره های مرده و گاهی در حکم نشانه هستند مثل نقش ترازوی بالای دادگستری که نشانه عدالت است. ۲- سمبل‌های خصوصی یا شخصی: سمبل‌های خصوصی حاصل وضع و ابتکار شاعران و نویسندگان بزرگ است و معمولاً در ادبیات قبل از آنها مسبوق به سابقه نیستند از این رو برای خوانندگان تازگی دارد و فهم آن دشوار است (همان، ۱۹۰).

در نماد یا سمبل کاربرد دیگری معمول است که به آن «اضافه سمبلیک» گفته می‌شود. در

این کاربرد سمبل به معنایش اضافه می‌شود (اضافه مشبه به، به مشبه)؛ یعنی مضاف، سمبل مضاف‌الیه است؛ مثل عقاب جور در این مصراع حافظ: عقاب جور گشاده است بال در همه شهر؛ که عقاب سمبل جور (تیز پروازی) است (همان).

این قالب تصویر ساز برخلاف استعاره و تشبیه و کنایه و ... مورد بررسی قرار نگرفته یا چنانکه اشاره شد، موارد کاربرد آن در نهج البلاغه با فرمول استعاره تحلیل شده‌اند. موارد استفاده از نماد در نهج البلاغه برای خلق تصاویر فراوان است، که در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

تیر بدون پیکان: تیر بدون پیکان در بیانات شیوای حضرت علی (ع) سمبل و نماد «بی اثری» است؛ لذا برای نشان دادن عدم کمک رسانی مردم کوفه در موقع نبرد، آنان را به تیر بدون پیکان تشبیه می‌کند: «وَمَنْ رُمِيَ بِكُمْ فَقَدْ رُمِيَ بِأَفْوَقِ نَاصِلِ» (خطبه ۶۹ و خطبه ۲۹). چنانکه اعراب برای بیان بی اثر بودن چیزی به پرتاب کردن تیر بدون پیکان مثال می‌زند: (رَمَاهُ بِأَفْوَقِ نَاصِلِ) (ابن منظور، ۶۶۲/۱۱).

سپر: در کلام حضرت علی (ع) سپر نماد «نگه دارندگی و حافظت» است؛ لذا ایشان در مقام ستایش وفای به عهد آن را بازدارنده و نگه دارنده تر از «سپر» توصیف می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ وَلَا أَعْلَمُ جُنَّةً أَوْقَى مِنْهُ» (خطبه ۴۱). با توجه به همین ویژگی بارز در حدیثی که از پیامبر (ص) نقل شده، روزه را به سپر تشبیه کرده که انسان را از شهوات حفظ کرده و باز می‌دارد: (الصَّوْمُ جُنَّةٌ) (ابن منظور، ۹۲/۱۳).

شمشیر: در کلام حضرت نماد «مرگ و خطر» است؛ لذا در بیان آینده شوم خوارج آنان را گرفتار ذلت و خواری و شمشیر بران توصیف می‌کند؛ با این تعبیر به مرگ و خطراتی که آنان گرفتارش می‌شوند اشاره می‌کند: «أَمَّا إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي ذِلًّا شَامِلًا وَسَيْفًا قَاطِعًا» (خطبه ۵۸).

آسیاب: آسیاب با چرخش و حرکت خود همواره توجه سخنوران و ادیبان عرب و غیر عرب را به خود جلب کرده و هرکدام آن را در معنای سمبلیک مورد نظر خود به کار برده‌اند، حضرت علی (ع) آن را در معنای نمادین آن یعنی «سرزندگی و رونق» به کار برده است که از همان چرخش و حرکت آسیاب در ذهن تداعی می‌شود؛ لذا در مقام بیان ره آورد بعثت پیامبر (ص)، از تحول و پویایی که پیامبر در میان عرب ایجاد کرد، به چرخیدن آسیاب تعبیر کرده است: «حَتَّىٰ أَرَاهُمْ مَنجَاتَهُمْ وَبَوَّاهُمْ مَحَلَّتَهُمْ فَاسْتَدَارَتْ رِحَاهُمْ وَاسْتَقَامَتْ قَنَاتُهُمْ» (خطبه ۱۰۴).

تازیانه: سمبل و نماد «درد و رنج» است؛ لذا حضرت به منظور اشاره به عقوبت‌های اخروی، درد و رنج‌های آنها را به گونه‌ای توصیف می‌کند که زخم با کارد یا تازیانه در برابر آن ناچیز است: «لَيْسَ هُوَ جَرْحًا بِالْمُدَىٰ وَلَا ضَرْبًا بِالسَّيَاطِ وَلَا كِنَّهُ مَا يَسْتَصْغُرُ ذَلِكَ مَعَهُ» (خطبه ۱۷۶، فراز هفتم).

آسمان: بلندی و برافراشتگی آسمان همواره محط نظر ادبا و سخنوران بوده است و در تصویرگری‌های خود از آن استفاده کرده‌اند. یکه تاز عرصه فصاحت و بلاغت حضرت علی (ع) نیز به آن توجه داشته با فیض آسمانی تیغ بلاغت از نیام اندیشه بر می‌کشد عنان مرکب سخن به دست می‌گیرد و در کلام شیوای خود آن را سمبل «بلندی و برافراشتگی» به کار می‌برد؛ لذا در مقام وصف فرشتگان گردن برخی از آنها را از آسمان فراتر توصیف می‌کند: «مِنْهُمْ الثَّابِتَةُ فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَىٰ أقدامُهُمْ وَالْمَارِقَةُ مِنَ السَّمَاءِ الْعُلْيَا أَعْنَاقُهُمْ» (خطبه ۱، فراز سوم).

شتر ده ماهه آبستن: برای نشان دادن احوال قیامت که انسان در این موقع با ارزش‌ترین چیزهای خود را فراموش می‌کند، آورده است که در آن روز انسان گله‌های شتر آبستن و اموالش را فراموش می‌کند: «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزَّمَامُ وَالْقَوَامُ فَمَمَسَكُوا بِوَتَائِقِهَا وَاعْتَصَمُوا بِحَقَائِقِهَا تَوَلُّ بِكُمْ إِلَىٰ أَكْنَانِ الدَّعَةِ وَأُوطَانَ السَّعَةِ وَمَعَاقِلِ الْحَرْزِ وَمَنَازِلِ الْعِزِّ فِي يَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ وَتُظْلَمُ لَهُ الْأَفْطَارُ وَتُعْطَلُ فِيهِ صُرُومُ الْعِشَارِ» (خطبه ۱۹۵، فراز سوم). و سایر مواردی که مجال ذکر تفصیلی همه آنها در این مقال نیست، اما در بخش «استخدام پدیده‌های مختلف و خلق تصاویر ساده» در ذیل ذکر تصاویر، به تمام نمادها و معانی نمادین‌شان فهرست‌وار اشاره شد.

تصویرگری با تلمیحات و رد تعبیرها

تلمیح، معانی بسیاری در بطن خود دارد و با گستردگی معانی به تصویر، وسعت و دامنه دیگری می‌بخشد. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) برای رنگ آمیزی صحنه از آن با مهارت استفاده کرده است؛ نمونه‌های آن:

۱. شتران ده ماهه آبستن (همان).

ابوذحہ^۱ (خطبه ۱۱۶، فراز چهارم)، اصحاب رس^۲ (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم)، بنی اسرائیل، تبع^۳ (نامه ۳، فراز دوم) حمیر^۴ (همان)، داوود (ع) (خطبه ۱۶۰، فراز چهارم)، سلیمان (ع) (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم)، عمالقه (همان)، عمروعاص و معاویه (خطبه ۱۸۰، فراز دوم)، عیسی (ع) (خطبه ۱۶۰، فراز چهارم)، فرعون (خطبه ۱۸۲، فراز چهارم)، قوم ثمود^۵ (خطبه ۱۸۱)، قوم سبا (خطبه ۹۷)، قیصر^۶ (نامه ۳، فراز دوم)، کسری^۷ (همان)، موسی (خطبه ۱۶۰، فراز چهارم؛ خطبه ۴)، دست یهودی (خطبه ۷۳)، بادبان کشتی دارین (خطبه ۱۶۵، فراز دوم). حضرت امیر (ع) تلمیحات را با فضای داستانی مربوط به آنها قرین می‌سازد و بر اساس آنها تصویر مورد نظر خود را ترسیم و رنگ آمیزی می‌کند. به تصاویر ارائه شده از این تلمیحات در بخش «استخدام پدیده های مختلف و خلق تصاویر ساده» فهرست‌وار اشاره شد.

تصویرگری در قالب مبالغه

در کلام، مبالغه از نیرومندترین عناصر القائی شمرده می‌شود. حضرت امیر (ع) در رساله خود از این عنصر بلاغی بهره جسته و آن را با صور بلاغی دیگر چون تشبیه، استعاره، نماد و کنایه در آمیخته و تابلوهای بسیار زیبا و مؤثر خلق کرده است. نمونه‌هایی از آن است: حضرت مردمی را که در کشاکش فتنه‌ها بصیرت یافته و صیقل می‌یابند، به تیغه شمشیر تشبیه می‌کند که در دست آهنگر صیقل می‌یابد (خطبه ۱۵۰، فراز دوم). در مقام بیان خصائص مالک اشتر او را شمشیری از شمشیرهای خدا توصیف می‌کند (نامه ۳۸). حضرت پس از اشاره به قوم ثمود، زمین آنها را پس از اینکه عذاب خداوند بر آن نازل شد و و با يك غرش بلند در زمین فرو

۲. سید رضی درباره این تعبیر آورده است: وذحہ همان خنفساء [جَعَلْ یا سرگین گردان] است. این سخن اشاره به حجاج و ماجرای او با جعل دارد که اینجا محل ذکر آن نیست.

۲. در باره اصحاب مداین الرّس یا مردم شهرهای رس گفته شده است اینها قوم شعیب پیغمبر (ع) بوده و بت می‌پرستیده‌اند، دارای مواشی و اغنام و چاههای آب بوده که از آنها بهره‌برداری می‌کرده‌اند، و رس نام چاه بسیار بزرگی بوده و در حالی که آنها در پیرامون آن بوده‌اند ویران شده و همه آنها را به زمین فرو برده است. نیز گفته شده رس نام دهی در یمامه بوده و گروهی از بازماندگان قوم ثمود در آن سکنا داشته و پس از سرکشی نابود شده‌اند، و هم گفته شده که رس اصحاب اخذودند، (شرح نهج البلاغه) (ابن میثم بحرانی)، ۳/۳۹۰.

۳. لقب فرمان گزاران یمن بود (بحرانی، میثم بن علی بن میثم، اختیار مصباح السالکین، ۴۷۳).

۴. لقب پادشاهان جنوب عربستان پیش از اسلام بود (رک: ترجمه نهج البلاغه (دشتی)، ۴۸۳). پدر قبیله ای در یمن که نامش حمیر بن سبا بن یشجب بن یعرب بن قحطان بود (اختیار مصباح السالکین، ۴۷۳).

۵. منظور از آن قوم صالح علیه السلام است (مفردات نهج البلاغه، ۱/ ۱۸۸).

۶. لقب امپراتوران روم بود (اختیار مصباح السالکین، ۴۷۳).

۷. لقب پادشاهان ایران بوده است (اختیار مصباح السالکین، ۴۷۳).

رفت، به آهن داغ فرو رفته در زمین نرم و هموار تشبیه می‌کند^۱. در مقام توصیف اموات به منظور حاضر کردن حالات آنها در جلو چشم شنونده، آنان را در بی حرکتی و ناتوانی در انجام کار، به (بی هوش به خاک افتاده) تشبیه می‌کند (خطبه ۲۲۱، فراز دوم). در مقام آموزش تاکتیک‌های نظامی به منظور اینکه به شرارت و بدی لشکر دشمن اشاره کند، شیطان را پنهان شده در کنار آنها توصیف می‌کند (خطبه ۶۶). در مقام وصف فرشتگان، گردن برخی از آنها را از آسمان فراتر توصیف می‌کند (خطبه ۱، فراز سوم). حضرت در مقام اشاره به سختی‌های فتنه، آن را پر رعد و برق توصیف می‌کند (خطبه ۱۵۱، فراز سوم). حضرت در پاسخ به نامه معاویه مقامی را که او ادعا کرده چون ستاره دور دست عیوق از او دور می‌داند (نامه ۶۵، فراز دوم).

خلق تصویر بدون استفاده از صور بلاغی

یکی از ویژگی‌های بارز سخنان امیرالمؤمنین که اوج فصاحت و بلاغت آن را نشان می‌دهد، خلق تابلوها و تصاویر زیبا بدون به کارگیری تشبیه و استعاره و سایر صور بلاغی است. شاعر انگلیسی، «سی دی لوئیس» معتقد است که تشبیه یا استعاره می‌تواند یک «تصویر» بیافریند، اما در عین حال، برخی تعبیر توصیفی را می‌توان سراغ گرفت که بدون چنین عناصری نیز قدرت خلق تصاویری با شکوه و خیره کننده را دارد. نمونه‌های این مورد در مقام توصیف خداوند و بیان صفات جمال و جلال بسیار مشهود است، و البته در خلق تصاویر دیگر نیز به کار رفته است. نمونه‌های آن: حضرت در توصیف عظمت حق تعالی بدون استفاده از صور بلاغی، عقل‌ها را در برابر عظمت او طرد شده توصیف می‌کند؛ عقل قدرت درک بالایی دارد و همه چیز مسخر اوست، اما قادر به درک عظمت الهی نیست: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْحَسَرَتِ الْأَوْصَافُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ وَ رَدَعَتْ عَظَمَتُهُ الْعُقُولَ» (خطبه ۱۵۵، فراز اول). «لَمْ يَطَّلِعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يَحْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ» (خطبه ۴۹). حضرت علی (ع) در جای دیگر در مقام وصف بزرگی سختی‌های مرگ، آنها را آن قدر بزرگ توصیف می‌کند که عقل اهل دنیا از درک آنها عاجز است: «وَ إِنْ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصِفَةٍ أَوْ تَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا» (خطبه ۲۲۱، فراز ۵). و...

۱. خواره زمین نرم را گویند از خور به معنی ضعف، «سگه محماة» خویش آهنی که آب داده شده است. یعنی طول نکشید که زمین آنها در زلزله صدا کرد مانند صدای خویش آب داده شده در زمین نرم (قرشی بنانی، ۱/ ۳۶۷).

به کارگیری عینی تصاویر و عناصر قرآنی

توجه به عناصر تصویر ساز قرآنی و استفاده از آنها در خلق تصاویر یکی از ویژگی‌های بارز سخنان حضرت علی (ع) است. نمونه های آن: حضرت علی (ع) در توصیف اهل ذکر به اینکه هیچ چیز حتی با ارزش ترین و سودآورترین چیزهای دنیوی آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند، به تجارت اشاره می‌کند که حتی آن هم اهل ذکر را از یاد خدا غافل نمی‌کند: «وَإِنَّ لِلذَّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ» (خطبه ۲۲۲، فراز دوم). همین ویژگی بارز و تعبیری نظیر این تعبیر در قرآن کریم نیز به کار رفته است: (رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة) (نور: ۳۷). در صورتگره‌های حضرت علی (ع) از ابر برای ترسیم «سرعت و حرکت» استفاده شده است، و از همین رو در حکمت ۲۱، فرصتها را درگذرا بودن و زود گذشتن به ابرها تشبیه کرده است: «قُرِنَتْ أَلْهِيَّةُ بِالْخَيْبَةِ وَالْحَيَاءُ بِالْحِرْمَانِ وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ». در قرآن نیز با توجه به همین برجستگی کوه ها در حرکت کردن به ابر تشبیه شده‌اند: (وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ) (نمل: ۸۸) و ...

خلق تابلوهای مؤثر با مدد از عناصر معنوی

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) برای توصیف صحنه های مختلف از عناصر معنوی نیز مایه گرفته است؛ اما، نه به گونه ای که شنونده برای اخذ معانی و تأثیرپذیری از سخن به تلاش ذهنی رنج آوری نیاز پیدا کند. این مایه‌ها، در کنار مایه های طبیعی و محسوس بر شتاب حرکت احساس و عاطفه و تأثیرگذاری می‌افزاید. از نمونه های آن است:

حضرت برای تصویر ارزش تقوا و رفعت درجه اهل آن، نتیجه تقوا را خانه ای می‌داند که زیارت کنندگانش فرشتگان و دوستانش پیامبران هستند (خطبه ۱۸۳، فراز سوم)؛ ایشان به منظور اشاره به این مطلب که خداوند بزرگ‌تر از آن است که به وصف آید و انسان از وصف او ناتوان است، به جبرائیل و میکائیل به عنوان دو مخلوق خداوند اشاره می‌کند که انسان از وصف آن دو عاجز است و سپس می‌فرماید: آن دو از وصف حق تعالی عاجزند. پس چگونه می‌توان کسی را وصف کرد که مخلوقش را نمی‌توان وصف کرد (خطبه ۱۸۲، فراز سوم)؛ و رک: خطبه ۱۹۲، فراز سیزدهم)؛ حضرت برای ترسیم بدی خشم و تحذیر دادن از آن، خشم را

سپاه ابلیس توصیف می‌کند^۱ (نامه ۶۹، فراز سوم)؛ حضرت در بخش‌های زیادی از نهج البلاغه از شیطان به عنوان سمبل «اضلال و گمراهی» است؛^۲ در مقام اشاره به سختی‌های فقر، آن را از مرگ بزرگ‌تر توصیف می‌کند.

محور عمودی و افقی

از مباحث جدید نقد ادبی محور عمودی و افقی کلام است. در ساختمان هر سخن بلیغ بلند، این دو محور وجود دارد: یکی ساختار کلام که با آن، بین اجزاء ارتباط معقول و منطقی برقرار می‌شود و آغاز و اوج و پایان کلام را در بر می‌گیرد و آن محور عمودی خوانده می‌شود؛ دیگری تصویرها و تک تک جملات که محور افقی خوانده می‌شود.^۳

تا اینجا به تحلیل و بررسی محور افقی سخنان حضرت امیر را تحلیل و بررسی کردیم. اکنون با دقت به کل هر خطبه نظر می‌افکنیم. می‌بینیم که حضرت امیرالمؤمنین (ع) در هر کدام از خطبه‌ها و نامه، نقطه شروع، ختم و مسیر حرکت آنها را از قبل طراحی کرده و با کل کلام خود نیز تصویر زیبا خلق کرده است. برای نمونه، در خطبه ۸۹ در مقام تحذیر و آگاهی دادن به مردم، ابتدا به بعثت پیامبر (ص) اشاره می‌کند، سپس وضعیت امت‌ها را در زمان بعثت حضرت به تصویر می‌کشد تا به اقدامات حضرت در اصلاح آنها اشاره کند. سپس با تعبیری زیبا و یک تشبیه خفی، مسئولیت خود و وضعیت مردم شنونده سخنانش را در مقابل مسئولیت پیامبر (ص) و وضعیت مردم زمان بعثت ایشان توصیف می‌کند. سپس اشاره می‌کند که هر چه پیامبر (ص) به مردم زمانش گفته، حضرت امیر نیز به گوش مخاطبانش رسانده-یعنی هر چه می‌گوید قول پیامبر (ص) است- و سپس حرف پایانی که قصد طرح آن را داشته، بیان می‌کند و می‌فرماید: پس مبدا برخورداری‌های فریب خوردگان، شما را بفریبید؛ زیرا امور فریبنده سایه‌ای است که تا زمانی معین گسترده شده.

نتیجه‌گیری

نگاه دقیق و عمیق حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به اشیاء و پدیده‌های عالم هستی سبب

۱. هر چند که این مسئله چیزی نیست که مردم آن را با چشم دیده باشند اما با شنیدن نام آن معنای چیزی بسیار خطرناک و ناگوار در ذهن تداعی می‌شود.

۲. رک: خطبه ۲، فراز اول خطبه ۱۸۳، فراز چهارم. نامه ۱۸. خطبه ۱۹۲، فراز دهم.

۳. رک: نامه فرهنگستان، دوره ششم، شماره ۴، مقاله‌نگاهی تازه به نظم خون فشان، ص ۸۳.

شده است روابط شگفتی بین اشیا و امور بیابد؛ روابطی که معمولاً از چشم دیگران پنهان است و همین امر سبب گردیده تا تعبیر و تصاویر آنان را با سایرین متمایز سازد. در تصویرگری‌های نهج‌البلاغه از انواع جلوه‌های گوناگون طبیعت گرفته تا امور نفسانی و حالات روحی و درونی افراد تا مفاهیم دینی و اعتقادی و سایر موضوعات، می‌توان نمونه‌های بدیع و جالب توجهی را سراغ گرفت که وسعت قلمرو این تصاویر و عمق اندیشه‌های هر یک آدمی را به تعجب و حیرت وامی‌دارد. در تصویرگری‌های حضرت از امور و پدیده‌های شناخته شده برای مخاطبین این سخن‌ها بهره برده شده، اما در عین حال بیان گر حقایقی است که با زندگی انسان‌ها و سرنوشتشان پیوندی ناگسستنی دارد و در صلاح و فلاح آنان نقشی بسزا ایفا می‌نماید. ایشان مواد تصاویر را از امور مختلف مثل: طبیعت، انسان، جانداران و... برگرفته و به زیبایی امور مختلف را به تصویر کشیده است.

منابع

- نهج‌البلاغه (نسخه صبحی صالح).
 آریان پور کاشانی، منوچهر و عباس، فرهنگ دانشگاهی (انگلیسی - فارسی)، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۵.
 ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد، شرح نهج‌البلاغه، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۳۷.
 ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر، بیروت، لبنان، بی‌تا.
 اسکلتن رایین، حکایت شعر، برگردان: مهرنگیز اوحسی، چاپ اول، شر میترا، ۱۳۷۵.
 انصار پور، غلام رضا، کامل فرهنگ فارسی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۳.
 انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲ ش.
 بحرانی، میثم بن علی بن میثم، شرح نهج‌البلاغه، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، بی‌جا، ۱۳۶۲.
 بحرانی، میثم بن علی بن میثم، اختیار مصباح السالکین، مصحح محمد هادی امینی، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶.
 براهنی، رضا، طلا در مس، چاپ اول، ناشر: نویسنده، ۱۳۷۱.
 پادشاه، محمد متخلص به شاد، فرهنگ جامع فارسی (آندراج)، زیر نظر دکتر محمد سیاقی، چاپ دوم، انتشارات کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۳.
 پور نامداریان، تقی، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی

- فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.
- جورداق، جورج، *بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه*، ترجمه محمد رضا انصاری، چاپ اول، کانون انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۷۳.
- داد، سیما، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، نشر مروارید، تهران، بی تا.
- دشتی، محمد، *فرهنگ واژه‌های معادل نهج البلاغه*، چاپ دوم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۷۶.
- دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ اول، مؤسسه انتشارات مشهور، قم، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، مؤسسه شرکت چاپ ۱۲۸، تهران، ۱۳۶۴.
- دهخدا، علی اکبر، *امثال و حکم فارسی*، چاپ یازدهم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹.
- رضوی بهابادی، علی، *حسن پور آلاشتی، حسین، فرهنگ زبان فارسی*، چاپ اول انتشارات بهاباد، تهران، ۱۳۷۳.
- روز غریب، *تمهید فی النقد الحدیث در المکتشف*، بیروت، ۱۹۷۱ م.
- زکی مبارک، *نثر فنی در قرن چهارم هجری*، قاهره، ۱۳۵۲ ق.
- زمانی جعفری، کریم، *درآمدی بر صنایع ادبی در کلام امام علی (ع)*، چاپ اول انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۷.
- زمانی جعفری، کریم، *سیری در فرهنگ لغات نهج البلاغه*، چاپ اول انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۷.
- الزَمْخَشَرِي، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، *المُسْتَقْصَبِي فِي الْأَمْثَالِ*، حیدرآباد الدکن، الهند، ۱۹۶۲.
- سبزیان پور، وحید، *مقایسه صورتگری‌های حماسی فردوسی و متنبی*، پایان نامه دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت مدرس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۰ ش.
- شمیسا، سیروس، *بیان*، چاپ یازدهم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹.
- شوشتری، محمد تقی، *بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*، چاپ اول، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- شوقی ضیف، *فی النقد الادبی*، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۶ م.
- شهرستانی، سید هبه الدین، *در پیرامون نهج البلاغه*، ترجمه عباس میرزاده اهری، چاپ ششم، مصحح علی دوانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
- شهیدی، سید جعفر، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ چهاردم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸.
- شیروانی، علی، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ پنجم، مؤسسه انتشارات دار العلم، تهران، ۱۳۸۵.

- صباغ، محمدبن لطفی، *التصویر الفنی فی الحدیث النبوی*، المكتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- صبحی صالح، فرهنگ *نهج البلاغه*، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، چاپ اول انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- عبدالطوب، صلاح الدین، *الصوره الادبیه فی القرآن الکریم*، مکتبه اللبناش ناشرون، بیروت، ۱۹۹۵ م.
- العبدری الشیبی، أبوالمحسن محمد بن علی، *تمثال الأمثال*، تحقیق أسعد ذبیان، دارالمیسره، بیروت، ۱۹۸۲.
- عرشی، امتیاز علی خان، *ترجمه استناد نهج البلاغه*، مصحح عزیز الله عطاردی، چاپ دوم، ناشر عزیز الله عطاردی، تهران، ۱۳۵۱.
- عصفور، جابر، *الصوره الغینه فی التراث النقادی و البلاغی عند العرب*، المرکز الثافی العربی، بیروت، ۱۹۹۲ م.
- علی الصغیر، محمدحسین، *الصوره الغینه فی المثل القرآنی*، دارالهادی، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- فیض الاسلام، سید علی نقی، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، چاپ پنجم، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام - انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۷۹.
- قرشی بنانی، سید علی اکبر، *مفردات نهج البلاغه*، مصحح محمد حسن بکائی، چاپ اول مؤسسه فرهنگی نشر قبله، تهران، ۱۳۷۷.
- کاشانی، ملا فتح الله، *تنبیه الغافلین و تذکره العارفين*، مصحح سید محمد جواد ذهنی تهرانی، چاپ اول انتشارات پیام حق، تهران، ۱۳۷۸.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از فضلاء و دانشمندان)، *پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*، چاپ اول دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵.
- مهدوی دامغانی، محمود، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*، چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
- میدانی، ابوالفضل، *مجمع الأمثال*، دارمکتبه الحیاه، بیروت، لبنان، بی تا.
- ناظر زاده، فرهاد، *نماد گرایی در ادبیات نمایشی*، چاپ اول انتشارات برگ، ۱۳۶۷.
- نامه فرهنگستان، دوره ششم، شماره ۴، *مجله فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، دوره ششم، شماره چهارم، آذر ۱۳۸۳.
- نفیسی، سعید، *فرهنگ فرانسه - فارسی نفیسی*، کتاب و مطبعه بروخیم، ۱۳۱۰.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، چاپ چهارم، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸.
- یاسوف، احمد، *الصوره الغینه فی الحدیث النبوی الشریف*، دارالمکتبی، دمشق، ۲۰۰۶ م.